

میزان نیازمندی به تداوم حضور نیروهای خارجی در افغانستان

دقیق همین تابستان گذشته بود که یک هموطن جوان سرباز از من خواهش کرد تا اگر باشد کسی را بشناسم در یکی از موسسات غیر دولتی برایش کار بجویم.

وقتی از عاید ماهوارش پرسیدم، از دریافت چیزی حدود هشتاد الی نود دالر در ماه برایم تعریف کرد. نسخه پاره و یادداشت های صحی عضو فامیلش را از جیب بیرون کرد (ارزش معاینات و تداوی حدود چهار ماه عاید ماهوارش).

همینکه لب باز کرده از مشکلات اجاره خانه و نان و لباس فرزندانش تعریف میکرد، یادم از سرو صدا ها و های وهوی کشور های آمد که این روز ها از تلفات و مصارف گزاف نیروهایشان در افغانستان به فریاد رسیده اند.

همین سوژه را بهانه گرفته خواستم نظرم را با شما عزیزان شریک سازم. قابل ذکر است که من بیشتر جنبه های منابع بشری موضوع را به بحث گرفته ام.

از انجائیکه بر همگان هویداست بعد از تحولات یازدهم سپتمبر و با روی کار آمدن حکومت موقت در افغانستان کوشش و تلاش نیروهای کشورهای خارجی در راه تامین نظم و امنیت در اکثر نقاط کشور بی اندازه مفید و موثر بوده است.

در سالیان نخست البته با نبود سیستم و نظام معیاری در بخش ساختارهای دولتی و نظام به خصوص ارگان های امنیتی، نقش نیروهای امنیتی خارجی در راه تامین نظم و امنیت هرچه بیشتر محسوس میشد.

نیروهای یادشده در تامین امنیت شهر ها، روستاها، شاهراه ها، میدان های هوایی و سائر اماکن عمومی به شکل از اشکال سهم داشتند که البته نقش براننده این نیروها را در آن زمان هیچ افغان با احساس نادیده نخواهد گرفت.

تعلیم و تربیه نیروهای امنیتی افغان که تا حالا ادامه دارد بخش دیگری از فعالیت های این نیروها است. فعالیت تیم های بازسازی ولایتی (پی آر تی) این نیروها در ولایات مختلف کشور نیز از جمله کارهای براننده و جدی به شمار میرود.

و اما بحث فعلی :

آنچه موضوع داغ روز را در مجامع بین المللی این روزها تشکیل میدهد، بحث ادامه حضور نیرو های این کشور ها در افغانستان است، که البته هر کشور با در نظر داشت منافع سیاسی و نظامی خود ارقام، آمار و زمان مشخصی و گاهی هم ضد و نقیضی از ادامه حضور نیرو هایشان ارائه میکنند.

این درحالیست که این موضوع گاه ناگاه توسط دولتمردان افغانستان نیز تائید و یا هم رد میگردد البته با پیش شرط ها و پیشکش بعضی موضوعات مانند تعلیم و تجهیز نیروهای افغان و...

آنچه بنده (بحیث شخصی که در بخش مدیریت و منابع بشری تجربه دارم) فکر میکنم، یکی از راه های بیرون رفت از این مشکل (چه برای کشور هایکه در افغانستان نیرو دارند و چه برای دولت افغانستان) توجه جدی به وضع معیشت، حقوق و امتیازات نیروهای امنیتی افغان است.

بگونه مثال امروز کشور های خارجی در رأس آن امریکا ارقام درستی از تعداد عساکر شان در افغانستان ارائه میکنند. وقتی ما مصرف هر یک از عساکر خارجی را که شامل (معاش ماهوا، بیمه، مالیه، مصارف سفر رفت و برگشت متعدد، مصارف تداوی در هنگام خدمت، سفریه، مصارف تجهیزات مخابراتی و تکنولوژی پیشرفته، خوراک و پوشاک با ستندرد غرب، مصارف ترجمان و بلاخره مصارف امنیت خود این نیروها در افغانستان) میشود را محاسبه بکنیم، در میابیم که اصل مشکل در کجا نهفته است.

این در حالیست که اگر توجه اندکی به حقوق و امتیازات ابتدایی و حیاتی نیروه های افغان که بتواند جوابگوی نیازمندی های ابتدایی خود و خانواده شان باشد صورت بگیرد، این نیروها در اکثر موارد جای نیروهای خارجی را پر خواهند کرد. که البته با در نظر داشت آشنایی نیروهای افغان از اراضی، اقلیم، زبان، رسوم و عنعنات مردم در بعضی موارد میشود گفت به مراتب موثرتر و کارا تر خواهند بود.

از طرف دیگر، با برآورده شدن نیازمندی های نیروهای افغان، دیگر کسی به فکر ترک وظیفه، رو آوردن به فساد، اخذ رشوه و خیانت به منافع ملی کشور نخواهند شد. و آنگاه به اطمینان میتوان گفت که نیاز به تداوم حضور همه نیرو های خارجی حتی تا سال ۲۰۱۴ نیز نخواهد بود.

در پایان به نظر من افغانستان به حضور تعداد محدود نیروهای خارجی تا به پای ایستادن و خود کفایی مسلکی و رزمی نیروهای امنیتی کشور تا سال ها ضرورت خواهد داشت که البته این نیازمندی صرف محدود به بخش های تعلیم نیروها افغان، بازسازی و همکاری در تامین امنیت مناطق استراتژیک خواهد بود.

پایان